

آیا مسوولان خوزستان، مُرده‌اند؟

چگونه از نگاه آن پیرمرد و این کودک تشنه، نمی‌ترسند؟ آیا ناامیدی را در چشم آن کشاورز نمی‌بینند؟

به گزارش سایت خبری پرسون، رضا غیث‌شاهی نوشت: آیا در خوزستان، مسوولان مُرده‌اند؟

اگر زنده اند پس چرا صدای اعتراض روستاییان به تشنگی را نشنیدند؟
اگر زنده اند چرا صدای اعتراض را نمی‌شوند؟

اگر زنده اند چرا مردم را تحقیر می‌کنند؟ روزی برای آب ... روزی برای برق ... روزی برای ...

اگر زنده اند چرا مرگ گاومیش‌ها را نمی‌بینند؟
چرا التماس روستاییان برای آب را نمی‌بینند؟
چرا خشکی نهر و کارون و هور را نمی‌بینند؟
چرا اشک و آه را نمی‌بینند؟

چگونه نابودی روستاها و زمین‌های کشاورزی را نمی‌بینند؟
چگونه فاضلاب جاری در خیابان‌های اهواز را نمی‌بینند؟
تلخی آب شرب در اهواز و خرمشهر و سوسنگرد را حس نمی‌کنند؟
آیا ناامیدی را در چشم آن کشاورز و این کودک نمی‌بینند؟
خستگی را در چهره شهروندان نمی‌بینند؟

اگر زنده اند چگونه زنده اند؟

اگر زنده اند چرا خجالت نمی‌کشند از تحقیر بی‌انتهای مردمی برای آب؟
چگونه از نگاه آن پیرمرد و این کودک تشنه، نمی‌ترسند؟

اگر زنده اند چگونه مرگ گاو میش در هور خشک را تحمل کردند؟
چگونه جان دادن هور در کنار هزاران نهر و رودخانه را دیدند؟

شاید مُرده‌اند و ما نمی‌دانیم
شاید مُرده‌اند اما ما فکر می‌کنیم زنده‌اند
شاید چون مرده‌اند؛ مرگ هور را نمی‌بینند
شاید چون مرده‌اند؛ مرگ آن روستا و این کشاورز را نمی‌بینند
شاید چون مرده‌اند مرگ هور و گاومیش‌ها را نمی‌بینند
شاید چون مرده‌اند از روی آن سید و این زن روستایی خجالت نمی‌کشند
شاید چون مرده‌اند وعده‌های بی‌سرانجام می‌دهند
شاید چون مرده‌اند هیچ چیز و هیچ کس را نمی‌شناسند
شاید چون مرده‌اند واقعیت‌ها را نمی‌بینند

شاید ما مرده‌ایم و...

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: عصر ایران